

پژوهشهای جغرافیائی - شماره ۴۱، اسفند ۱۳۸۰
صص ۵۳-۶۹

پژوهشی در توسعه و نابرابری در مناطق روستایی

(روستاهای برگزیده شهرستان مرند)

دکتر علی شکوری - استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران*

پذیرش مقاله: ۸۰/۸/۱۵

چکیده

توسعه مناطق روستایی کشور، یکی از محورهای اصلی سیاست دولت بعد از انقلاب بوده است. این مقاله قصد دارد تا اثرات سیاستهای توسعه روستایی بعد از انقلاب را بر روستاییان با تأکید بر متغیرهای درآمد، ثروت و رفاه و با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای «واقع‌پسن از رویداد» در شش روستای برگزیده در شهرستان مرند مورد بررسی قرار دهد. این بررسی نتیجه می‌گیرد که علیرغم تلاش و فعالیت مستمر برای توسعه روستاها از طریق اجرای برنامه‌های متفاوت توسعه روستایی، فرآیند تغییر روستایی بدلیل وجود و استمرار ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و جغرافیایی - طبیعی پیشین از قبیل توزیع نابرابر اشکال ثروت، عدم تغییر بنیادی در قشر بندی اجتماعی، تفاوت‌های منطقه‌ای (روستایی) از نقطه نظر عوامل بالقوه توسعه‌ای و غیره، بیشتر گرایش به ثمردهی به روستاهایی با پتانسیل‌های توسعه‌ای بالاتر و روستاییانی با زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بهتر دارد.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه روستایی، تغییر اجتماعی، نابرابری، درآمد، ثروت، رفاه

مقدمه

تجربه تاریخی فرآیند توسعه در کشورهای توسعه یافته، این امر را معلوم ساخته است که توسعه روستایی یک ضرورت بنیادی برای توسعه ملی است و می‌بایستی در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد. در کشور ما نیز ضرورت پرداختن به امر روستا و توسعه آن، از سوی دولت و از چند دهه پیش احساس شده و در غالب موارد، بعنوان محور سیاستهای توسعه تلقی شده است. توجه به امر توسعه روستا بعد از انقلاب، بعلت عدم موفقیت سیاستهای توسعه‌ای قبل از انقلاب، در حل معضل توسعه نیافتگی روستایی کشور بیش از پیش مطرح شد. در همین راستا، دولت بعد از انقلاب اقدامات نسبتاً گسترده‌ای را در سازماندهی مجدد مدیریت سنتی کشاورزی و روستایی به‌مراه اجرای برنامه‌های توسعه روستایی همچون توزیع زمین، فعالیتهای ترویجی، توزیع نهادهای زراعی، پروژه‌های بهسازی، برنامه‌های اجتماعی و

غیره صورت داده است. پس از گذشت بیش از دو دهه، این سؤال مطرح می‌شود که این اقدامات چه اثراتی بر روستاییان داشته و تا چه حد توانسته است، تا به ارتقاء سطح زندگی روستاییان بیانجامد؟ چه گروهی بیشتر از این اقدامات منتفع شده‌اند؟ و عبارتی منافع حاصل از اعمال سیاستهای توسعه روستایی چگونه توزیع شده است تا در این مطالعه سعی شده، آثار سیاستهای توسعه روستایی در سطح خرد (روستا) در تعدادی از روستاهای برگزیده شهرستان مرند ارزیابی گردد. متغیرهای درآمد، ثروت و رفاه (هزینه زندگی) برای بررسی آثار این سیاستها انتخاب شده‌اند. بطور کلی بحث در چهار قسمت عمده ارائه می‌شود: نخست، ادبیات مرتبط با توسعه روستایی مختصراً مرور می‌شود. سپس ویژگیهای جغرافیایی و جمعیتی روستاها بطور اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد و در بخش سوم، اثرات برنامه‌ها در سه متغیر درآمد، ثروت، رفاه ارائه می‌شود. در بخش آخر نیز توزیع اثرات تحلیل می‌گردد.

ادبیات مربوطه

طی دهه‌های اخیر، تلاشهای زیادی از سوی دولت در کشورهای در حال توسعه، سازمانهای بین‌المللی و محلی برای بهبود وضعیت روستاییان از طریق اجرای استراتژیهای بهبود و دگرگون‌سازی انجام شده است (لانگ، ۱۹۷۹). با این حال، این تلاشها چندان در از بین بردن شرایط نابسامان روستاییان، خصوصاً فقرای روستایی موفق نبوده است (لی و چوداری، ۱۹۸۳ - حق و دیگران، ۱۹۷۷ - گریفین، ۱۹۷۹ - فرگوسن، ۱۹۹۰). واقعیت مسلم آن است که امروزه روستاییان بیش از گذشته به بهداشت، آموزش، امکانات افزایش تولید و مصرف دسترسی دارند، ولی بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که توزیع منافع به هیچوجه برابر نبوده است (موریسون و دیگران، ۱۹۷۹ - روتن، ۱۹۸۶) و سوء تغذیه، فقر، بیسوادی، بیکاری و... هنوز بر غالب جوامع روستایی جهان سوم سایه افکننده است. استمرار این پدیده‌ها سبب شده تا مناطق روستایی هنوز بعنوان مهمترین مقوله توسعه‌ای بسیاری از کشورهای در حال توسعه باقی بماند (سازمان بین‌المللی کار^(۱)، ۱۹۷۷ - بانک جهانی^(۲)، ۱۹۹۱).

همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، توسعه روستایی از سیاستهای عمده کشور ما بوده است. رژیم قبل از انقلاب در چارچوب مدرنیزاسیون کشور از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، استراتژی نوسازی اراضی بزرگ و عمدتاً اراضی سلطنتی را اتخاذ نمود و از دهه ۴۰ به بعد، یک سری اصلاحات ارضی را به مرحله اجرا در آورد و این سیاستها را با فرآیند صنعتی کردن کشاورزی و ایجاد واحدهای بزرگ کشت و صنعت و ایجاد قطبهای زراعی همراهی کرد. با توسل به استراتژیهای رشد و تکنوکراتیک، کسب حداکثر رشد به مفهوم افزایش بازدهی کلی^(۳) را بعنوان راهبرد بنیادی (چه اقتصادی و چه زراعی) مورد تأکید قرار داد. با وجود این کوششهای مستمر، سیاستهای نوسازی عمدتاً بدلیل ارتباط اندک پسین و پیشین سیاست مدرنیزاسیون رژیم با بخشهای مختلف اقتصاد و خصوصاً با بخش کشاورزی و بدلیل اعطای اولویت پایین به نواحی روستایی و بخش کشاورزی (ستتی) در عمل نتوانست به توسعه نیافتگی روستایی جامه عمل بپوشاند (افشار، ۱۹۸۱ - پسران، ۱۹۸۲). در نتیجه، بعد از انقلاب، توسعه روستایی به عنوان بخشی مهم از سیاست دولت، اهمیت خود را حفظ نمود.

استراتژی کلی دولت بعد از انقلاب در توسعه روستایی و زراعی به دگرگون‌سازی روند قبل از انقلاب از توجه به

کشاورزی مدرن سرمایه به کشاورزی سنتی و آمیختن شیوه‌های نوین و سنتی برای افزایش کارایی بود (شیرازی ۱۹۹۳، حقیقی ۱۹۹۰). همزمان تأکید گسترده‌ای بر توسعه سریع نواحی روستایی و محرومیت‌زدایی روستایی گردید. برای این منظور، نخست مدیریت سنتی کشاورزی سازماندهی مجدد شد که به ایجاد مراکز خدمات روستایی و عشایری با هدف تغییر دادن سازمان سنتی کشاورزی به نفع روستاییان و بجای توجه صرف به واحدهای بزرگ سرمایه بر منتهی گشت. دومین تلاش، تأسیس جهاد سازندگی بود که بعنوان واکنش به کل ساختار اداری قبل از انقلاب و با فلسفه مبتنی بر حرکت انقلابی، بنیادی و سریع برای حل مسائل روستایی کشور به دور از مقررات تکنو - بوروکراتیک^(۱) مرسوم مطرح شد. این اصلاحات در زمینه مدیریتی و سازماندهی بعنوان کانالی برای اجرای برنامه‌های توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفت. بعد از انقلاب، مجموعه‌ای از برنامه‌های توسعه روستایی متفاوت همچون توزیع زمینی، فعالیت‌های ترویجی، توزیع اعتبار و نهاده‌های زراعی و برنامه‌های زیربنایی چون جاده‌سازی، تهیه آب آشامیدنی، برق‌رسانی، بهسازی، پروژه‌های آبیاری، برنامه‌های اجتماعی مانند برنامه‌های آموزشی و بهداشتی و ... توسط ارگان‌های ذیربط مسائل توسعه روستایی اجرا شده است. در نوشته حاضر تلاش بر این است که تأثیرات طولانی مدت سیاست‌های توسعه روستایی بعد از انقلاب در تعدادی از روستاهای برگزیده بصورت تجربی ارزیابی گردد.

با توجه به تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه (گریفین^(۲)، ۱۹۷۴، گریندل^(۳)، ۱۹۸۶، گریفین و خان^(۴)، ۱۹۸۲، نظیر^(۵)، ۱۹۹۱؛ پرستون^(۶)، ۱۹۸۰؛ سامارا^(۷)، ۱۹۸۲)، فرض بر این است که برنامه‌های توسعه روستایی تأثیر مثبتی بر روستاها و روستائیان خواهد داشت و این تأثیر از شرایط بالقوه توسعه‌ای روستاها (حاصلخیزی خاک، جمعیت، فاصله با شهر ...) و زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی روستائیان (سن، سواد، شغل، ...) تبعیت خواهد کرد. به لحاظ وجود تفاوتها در این شرایط و زمینه‌ها، این برنامه‌ها موجب نابرابری بیشتر بین روستاها و روستائیان خواهد شد. بنابراین در این مقاله اثرات برنامه‌ها در سه محور عمده ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند: (الف) درجه تغییر اجتماعات روستایی بوسیله اجرای برنامه‌های توسعه روستایی، (ب) درجه تأثیرپذیری تغییر روستایی بوسیله برنامه با توجه به زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی روستائیان و شرایط بالقوه توسعه‌ای روستاها و (ج) جهت تغییر یا درجه نابرابری در پدیده تغییر میان روستائیان.

روش تحقیق

اثر برنامه‌های توسعه روستایی با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای «واقع پس از رویداد» در شش روستا از شهرستان مرند از استان آذربایجان شرقی مورد بررسی قرار گرفته است. روستاها بصورت زوجی در سه گروه مجزا شامل روستاهای مرفه، متوسط و فقیر انتخاب گردیدند؛ بطوریکه هر زوج شامل یک روستا که در آن حداکثر برنامه روستایی اجرا شده و یک روستا که در آن حداقل یا هیچ برنامه‌ای اجرا نشده بود، اطلاعات بر اساس مصاحبه با ۳۸۱ خانوار از طریق نمونه‌گیری تصادفی نسبت به سهم و مصاحبه با دست‌اندرکاران توسعه روستایی در سال ۱۳۷۸ گردآوری شده

1- Techno-bureaucratic

2- Griffin

3- Grindle

4- Griffin and Khan

5- Nazir

6- Preston

7- Samra

است (جدول شماره ۱). در این مطالعه اثرات برنامه‌ها (یا تغییر روستایی) در سه متغیر عمده یعنی ثروت، درآمد و رفاه تفحص شده و سپس نحوه توزیع اثرات در متغیرهای فوق‌الذکر و عبارتی جذب آثار برنامه‌ها بوسیله روستاها و روستاییان مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱- توزیع روستاهای برگزیده برحسب فعالیت‌های توسعه روستایی و شرایط بالقوه توسعه‌ای

روستاها	برنامه‌های توسعه روستایی			شرایط توسعه‌ای		
	جهاد	مرکز خدمات	توزیع زمین	طبیعی و جغرافیایی	اقتصادی و اجتماعی	زیرساختی
زوج اول روستای ۱ روستای ۲	حداکثر حداقل	حداکثر حداقل	انجام شده انجام نشده	بالا پائین	بالا پائین	بالا پائین
زوج دوم روستای ۳ روستای ۴	حداکثر حداقل	حداکثر حداقل	انجام شده انجام نشده	بالا پائین	بالا پائین	بالا پائین
زوج سوم روستای ۵ روستای ۶	حداکثر حداقل	حداکثر حداقل	انجام شده انجام نشده	بالا پائین	بالا پائین	بالا پائین

توضیح: خدمات مراکز خدمات شامل: توزیع ماشین‌های کشاورزی، اجرای طرح آبیاری توزیع نهاده‌های کشاورزی (کود، بذر سموم ...) می‌شود. فعالیتهای عمده جهاد شامل: ساختن راه، حمام، مدرسه، تهیه آب آشامیدنی و بهسازی روستاها و آبخیزداری و ... می‌شود.

طبقه‌بندی روستاها در سه گروه مرفه، متوسط و فقیر روستاها بر اساس متغیرهایی چون وضعیت جغرافیایی، جمعیت، فاصله (دوری یا نزدیکی از مرکز شهر) و حاصلخیزی خاک و با استفاده از رتبه‌بندی عددی انجام شده و روستاهایی که از نقطه نظر این متغیرها دارای بالاترین امتیاز بودند، روستاهای مرفه و آنهایی که از نظر این متغیرها دارای امتیاز متوسط بودند روستاهای متوسط و نیز روستاهایی که از نظر این متغیرها دارای امتیاز کمی بودند، روستاهای فقیر گروه‌بندی شدند.

درآمد در این پژوهش به کل عایدات یک فرد یا خانوار از کار یدی، سرمایه‌گذاری، تجارت و تولیداتش اطلاق می‌شود. ثروت به کل دارایی یک خانوار شامل زمین، مسکن، دام، وسایل نقلیه و ... تعریف شده است. بر اساس این رویکرد، افرادی می‌توانند سطحی مناسب از رفاه را داشته باشند که حداقل نیازهای اساسی‌شان برآورده شده باشد. برای سنجش سطح رفاه، رهیافت‌های متفاوتی وجود دارد که یکی از مهمترین این رهیافت‌ها، ملاحظه سبد کالاهای ویژه مانند نیازهای ضروری و بیولوژیکی است (استرین^(۱)، ۱۹۷۷؛ استرین و دیگران^(۲)، ۱۹۸۱). در این مطالعه سه عنصر اصلی نیازهای اساسی یعنی مسکن، خوراک و پوشاک برای تعیین وضعیت رفاه در روستاهای مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. به استثنای متغیر مسکن که بصورت کیفی و با استفاده از رتبه‌بندی (کیفیت بالا، متوسط، پایین) بررسی شده، بقیه متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش بصورت کمی مورد مطالعه قرار گرفته، یعنی پس از محاسبه به تومان تبدیل شده

است تا بتوان از طریق شاخص‌ها و عملیات آماری، اثرات را دقیق‌تر تحلیل نمود. برای مقایسه تفاوت‌های بین روستایی و درون روستایی از تحلیل پراش و تست‌های پست‌هاک^(۱) و برای ارزیابی اثرات زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان از تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. برای بررسی توزیع منافع یا پیامدهای بین و درون روستاها نیز از ضریب جینی^(۲) و توزیع دهک‌ها^(۳) سود جسته شده است. تمام عملیات آماری بوسیله نرم‌افزار کامپیوتری SPSS^(۴) انجام شده است.

مروری بر موقعیت جغرافیایی و جمعیتی استان، شهرستان و روستاهای مورد مطالعه

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، استان آذربایجان شرقی از ۱۴ شهرستان تشکیل شده که کلاً ۳۴ بخش شامل ۳۹ شهر و ۱۳۴ دهستان را شامل می‌شود. بر اساس این سرشماری، جمعیت استان ۵۵۴۳۳۲ نفر بوده که از این تعداد حدود ۶۰ درصد در نقاط شهری و حدود ۴۰ درصد در روستاها سکونت داشته‌اند و بقیه غیر ساکن بوده‌اند. شهرستان مرند مطابق سرشماری فوق، دارای شهرهای زنوز، کشکسرای و مرند است. شهرستان مرند شامل ۲ بخش، ۹ دهستان، ۱۱۴ آبادی دارای سکنه و ۱۶ آبادی خالی از سکنه می‌باشد. در سال ۱۳۷۵ جمعیت شهرستان ۲۲۴۴ نفر بوده که از این تعداد قریب ۴۸ درصد در نقاط شهری و حدود ۵۲ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. روستاهای دولت‌آباد، دیزج حسین بیگ، قراجه فضل‌ا...، لیوار پایین، قرمزی قشلاق و بابره سفلی برای پژوهش برگزیده شده‌اند که دارای مشخصات زیر می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

روستای دولت‌آباد در ۶ کیلومتری شرق و به لحاظ طبیعی در منطقه، دشت مشرف به کوهستان، در جنوب روستا قرار دارد. این روستا بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ دارای ۴۰۹۱ نفر جمعیت می‌باشد. روستای دیزج حسین بیگ حدود ۸ کیلومتری جنوب‌غربی شهرستان مرند واقع شده است و در سال ۱۳۷۵ دارای ۳۶۵۳ نفر جمعیت بوده و به لحاظ طبیعی در منطقه دشت قرار دارد. روستای قراجه فضل‌ا... در ۲۲ کیلومتری غرب شهرستان مرند با موقعیت دشتی و کوهستانی (به ترتیب با نسبت حدود ۲/۵ و ۳/۵) واقع شده و در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۸۶۵ نفر در آن زندگی می‌کرده‌اند. لیوار پایین در ۱۹ کیلومتری جنوب‌شرقی شهرستان مرند در منطقه کوهستانی واقع شده و دارای جمعیت ۱۶۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ بوده است. قرمزی قشلاق در ۳۱ کیلومتری شمال‌شرقی شهرستان مرند در منطقه دشت و مشرف به منطقه کوهستانی واقع شده است و در سال ۱۳۷۵ حدود ۵۶۶ نفر در آنجا زندگی می‌کرده‌اند. نقشه شماره (۱) موقعیت جغرافیایی استان، شهرستان و روستاها را نشان می‌دهد.

1- Post hoc tests

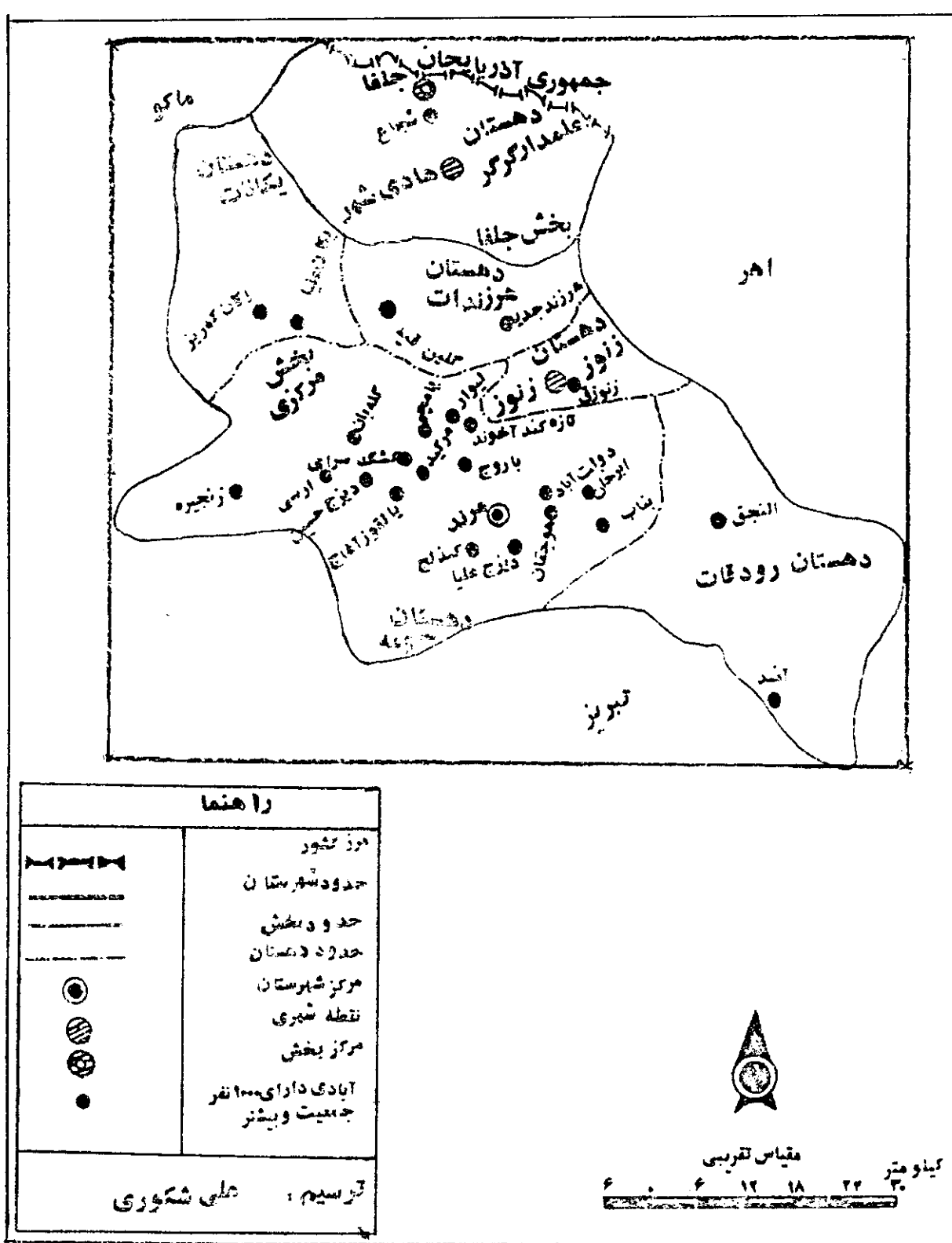
تحلیل پراش مبتنی بر آزمون F (Fisher) می‌باشد و این آزمون مبتنی بر استنباط آماری است که هدفش بررسی این واقعیت است که آیا میانگین صفت مورد مشاهده بلحاظ آماری بین گروه‌های مورد مطالعه (بیش از دو گروه) متفاوت است یا نه؟ چون در این مطالعه بیش از دو گروه (شش روستا) مورد بررسی قرار گرفته است، لذا آزمون F بعنوان مناسبترین شیوه‌ی کار رفته است. لازم به ذکر است که آزمون F که معناداری صفت را در کل گروه‌ها بصورت تجمعی نشان می‌دهد، آزمونهای پست‌هاک، تفاوت‌های معنی‌داری میانگین صفت مورد بررسی را بین تک تک گروه‌ها در مقایسه با یکدیگر در یک جدول به وضوح آشکار می‌سازد.

2- Gini

3- Decile Distribution

4- Statistical package for social sciences

نقشه شماره ۱- تقسیم‌بندی شهرستان مرند به تفکیک بخش و دهستان



یافته‌های پژوهش

الف- درآمد

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که متوسط درآمد سالانه خانوارهای نمونه بین روستاهای مورد مطالعه بطور معناداری متفاوت بوده^(۱) و درآمد خانوارها در تمام روستاها تحت تأثیر برنامه‌های توسعه روستایی و شرایط بالقوه توسعه‌ای روستاها می‌باشد.^(۲) مقایسه زوجی روستاها معلوم می‌دارد که درآمد متوسط سالانه خانوارهای نمونه در روستاهایی که بیشترین برنامه توسعه روستایی در آنها اجرا شده بود، به مراتب بیش از روستاهایی است که حداقل برنامه‌ای را دریافت کرده بودند و چنین وضعیتی را بین روستاها با بالاترین برنامه توسعه روستایی ولی با شرایط متفاوت بالقوه توسعه‌ای می‌توان مشاهده نمود (جدول ۲). بر خلاف روستاهای مرفه (دولت آباد و دیزج حسین بیگ) و متوسط (قرجه فضل...) و لیوار پایین (مقدار (F) در روستاهای فقیر، ضعیف (قرمز قشلاق و بابر سفلی) به لحاظ آماری معنی‌دار نیست که می‌توان گفت که تأثیر برنامه‌ها در روستاهای فقیر ضعیف‌تر است.

بررسی اثر زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان در درآمد خانوارهای نمونه در فرآیند تغییر روستایی نشان می‌دهد که متغیرهای اقتصادی، اجتماعی (سن، سواد، بعد خانوار، شغل، زمین، دارایی) در کل، همبستگی نسبتاً قوی خصوصاً در روستاها با حداکثر برنامه روستایی اجرا شده را دارند؛ این متغیرها در مجموع بیش از ۴۰ درصد درآمد پاسخگویان را تبیین می‌کنند. بررسی تفصیلی بیان می‌دارد: در حالیکه بالاترین سهم تأثیر در درآمد به متغیرهای «زمین»، «باغ» و «بعد خانوار» متعلق است، پایین‌ترین سهم به متغیر سن تعلق دارد. در عین حال این تأثیر منفی است. بر اساس یافته‌های پژوهش، زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان در مجموع ۴۰ درصد تغییرات درآمد آنها را در روستای یک و ۳۰ درصد در روستای شماره دو تبیین می‌کند. این ارقام برای روستاهای گروه متوسط (۳) و (۴) به ترتیب ۵۹ و ۴۵ درصد و برای گروه روستاهای فقیر (۵ و ۶) به ترتیب ۳۰ و ۲۳ درصد می‌باشد (جدول شماره ۲) که بیانگر تأثیر اندک ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی در درآمد خانوارهای نمونه در روستاهای فقیر است. سبب این امر را از یکسو اندازه‌های کوچک نمونه در این روستاها می‌توان ذکر کرد (۳۵ و $N < 30$) و از سوی دیگر می‌توان سطح پایین درآمد در این روستاها را بعلت بهره‌وری پایین زمین و کیفیت پایین خاک دانست. سهم بالای زمین در روستاهای مرفه و متوسط بوضوح این نکته را تأیید می‌کند.

ب- ثروت

یافته‌ها نشان می‌دهد که مشابه با متغیر درآمد، متوسط ثروت خانوارهای نمونه بین تمام روستاهای مورد مطالعه^(۳) از نظر آماری معنی‌دار است.^(۴) مقایسه زوجی روستاها معلوم می‌سازد که به جز روستاهای مرفه که بر خلاف انتظار تحقیق میانگین ثروت در روستای شماره دو (روستای مرفه با حداقل اجرای برنامه روستایی) بالاتر از روستای یک (روستای مرفه با حداکثر برنامه روستایی) می‌باشد. میانگین ثروت در روستاهای زوج‌های دیگر (متوسط و فقیر) در روستاهای با حداکثر برنامه اجرا شده، بالاتر است؛ با این وجود تفاوت‌های آنها از نظر آماری معنی‌دار نیست (جدول شماره ۱). این رابطه می‌تواند بدین معنا باشد که هر چند ثروت خانوارهای مورد بررسی در هر دو گروه روستاها افزایش

1- F ratio ۱۳/۱۳۰۵ F prob: ۰/۰۰۰

2- F (Fisher)

3- aggregate

4- F ratio: ۱۷/۵۴ F prob: ۰/۰۰۰

یافته، ولی این تغییرات بیش از برنامه‌های توسعه روستا، تحت تأثیر تغییر کلی و کلان جامعه بوده است. بررسی دقیق‌تر و مشاهدات میدانی این تحقیق نشان می‌دهد که بالا بودن متوسط ثروت شماره دو در مقایسه با روستای یک به خاطر درصد بالای کامیون‌داران در نمونه‌های مورد بررسی در این روستا باشد که به دلیل قیمت بالای کامیون در مقایسه با اشکال دیگر ثروت، میانگین ثروت را در روستای دوم تحت تأثیر قرار داده است.

بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی خانوارهای نمونه بر ثروتشان در تمام گروه‌های روستایی مورد مطالعه، معلوم ساخت که افراد نمونه با موقعیت بالاتر اقتصادی - اجتماعی خصوصاً در روستاهای زوج اول و دوم و عموماً در روستاهای با برنامه بالا توانستند در فرآیند تغییر روستایی، ثروت بیشتری را نیز تصاحب کنند (جدول شماره ۲). این متغیرها در مجموع^(۱) حدود ۴۰ درصد تغییرات در ثروت خانوارهای نمونه را در روستای یک و ۵۰ درصد را در روستای دو تبیین می‌کنند؛ این ارقام برای روستای سه و چهار (روستاهای متوسط) به ترتیب ۴۰ و ۳۲ درصد و برای روستای پنج و شش (روستاهای زوج سوم) به ترتیب ۳۸ و ۳۵ درصد می‌باشد (جدول شماره ۲). ارقام یاد شده تأثیر نزولی ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی را بر حسب درجه مرفه بودن و اثر برنامه‌های روستایی نشان می‌دهد. تفاوت عمده در متغیرهای اقتصادی و اجتماعی در روستاهای مورد بررسی، مربوط به متغیر سواد و شغل است که در روستاهای فقیر، ضعیف‌تر از بقیه روستاهاست و می‌تواند به دلیل تعداد اندک افراد تحصیلکرده و همچنین عدم تنوع شغلی با مرتبه بالاتر در این روستاها باشد. نکته قابل استنتاج از نتایج تحلیل واریانس در مورد تأثیر برنامه‌های توسعه روستایی در ایجاد تفاوت معناداری ضعیف در ثروت، در مقایسه با درآمد روستاهای مورد بررسی آن است که هر چند فرآیند توسعه روستایی تأثیر مثبتی بر ثروت خانوارهای نمونه داشته، ولی درجه این تأثیر به اندازه تأثیر در درآمد خانوارهای نمونه نبوده است. دلیل عمده آن نیز به ماهیت برنامه‌های اجرا شده بعد از انقلاب بر می‌گردد. از بین برنامه‌های اجرا شده، که قبلاً اشاره شد تنها توزیع زمین می‌توانست تأثیر مستقیم در افزایش ثروت خانوارها داشته باشد، ولی مقدار و اندازه توزیع زمین در حدی نبود که متوسط ثروت روستاها را تغییر دهد. پروژه‌های دیگر مثل توزیع نهاده‌های کشاورزی، بر درآمد و نه بر ثروت تأثیر مستقیم می‌توانست داشته باشد. برای تأثیرگذاری این برنامه‌ها به زمان نیاز بود این تأثیر، مثبت ولی خیلی زیاد نبود.

ج- رفاه

بطوریکه ذکر شد، رفاه به دو طریق مطالعه شده است: الف- هزینه زندگی (شامل هزینه سالانه خوراک و پوشاک)

ب- کیفیت مسکن.

تحلیل پراش در مورد هزینه زندگی نشان می‌دهد که مقدار F بطور کلی در ۶ روستای مورد مطالعه به لحاظ آماری معنادار است و نشان می‌دهد که هزینه زندگی خانوارهای نمونه، هم از برنامه‌های توسعه روستایی و هم از شرایط بالقوه‌ای متأثر بوده است. این گرایش در روستاهای با حداکثر برنامه توسعه روستایی در مقایسه با روستاهای قرینه آنها نیز دیده می‌شود (جدول شماره ۲ - ستون هزینه زندگی).

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس درآمد، ثروت و هزینه زندگی با ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی خانوارها و روستاها

۳۱/۱۳۰۵ ۰/۰۰۰۰۰	نسبت F احتمال F	تحلیل واریانس (یکطرفه)
۶ ۴ ۵ ۳ ۲ ۱	روستاها	روستاها میانگین (درآمد)
x x x x x	۱	۱۸۷۰/۵۹۴۳
x x x x	۲	۱۲۳۹/۶۷۰۵
x x	۳	۹۱۷/۲۸۳۳
x	۵	۸۹۲/۲۳۳۳
	۴	۶۰۵/۱۳۵۶
	۶	۴۸۰/۳۴۲۹
۱۷/۵۴۲۱ ۰/۰۰۰۰۰	نسبت F احتمال F	تحلیل واریانس (یکطرفه)
۶ ۵ ۴ ۳ ۱ ۶	روستاها	روستاها میانگین (ثروت)
x x x x	۲	۲۹۳۶/۷۹۵۵
x x x x	۱	۲۶۲۶/۷۲۶۴
	۳	۱۶۴۹/۶۵۰۰
	۴	۱۵۲۸/۳۱۶۷
	۵	۱۴۸۰/۳۰۰۰
	۶	۱۲۳۴/۹۷۲۲
۲۳/۰۰۶۴ ۰/۰۰۰۰۰	نسبت F احتمال F	تحلیل واریانس (یکطرفه)
۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱	روستاها	روستاها میانگین (هزینه زندگی)
x x x x x	۱	۴۷۸/۳۴۹۱
x x x	۲	۴۰۶/۳۶۳۶
x x x	۳	۳۷۹/۷۸۳۳
x	۴	۳۱۳/۸۰۰۰
	۵	۲۹۷/۱۳۳۳
	۶	۲۲۹/۵۲۸

مأخذ: شکوری (۱۳۷۹)

علامت (x) تفاوت معناداری بین روستاها را به لحاظ آماری نشان می‌دهد.

همانطور که از جدول شماره (۳) مشخص است، تأثیر عوامل یاد شده در روستاهای فقیر (۵ و ۶) خیلی زیاد نیست و به لحاظ آماری نیز معنادار نمی‌باشد. این امر می‌تواند بدلیل فرهنگ مصرفی مشابه، درآمد پایین خانوارهای نمونه و حجم نمونه کوچکتر در این روستاها باشد.

تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره، نتایج مشابهی را از نظر تأثیر ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی خانوارهای نمونه

بر هزینه زندگی در فرآیند توسعه روستایی بدست می‌دهد. این نکته را علاوه بر تک تک متغیرها که با ضرایب بتا^(۱) مشخص شده، می‌توان از درصد متغیرهای تبیین بطور کلی^(۲) یافت. برای مثال، ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان ۷۵ درصد تغییرات را متوسط هزینه سالانه پاسخگویان در روستای ۱ و ۵۸ درصد در روستای ۲ تبیین می‌کند. این درصدها در روستای شماره ۳ و شماره ۴ به ترتیب ۵۰ و ۴۰ درصد و برای روستاهای ۵ و ۶ به ترتیب ۳۰ و ۲۰ درصد می‌باشد. تحلیل داده‌ها نشان داد که مقدار F در روستاهای گروه سوم از نظر آماری معنادار نیست (جدول شماره ۳).

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت مسکن در روستاهای مورد مطالعه (درصد)

روستا کیفیت	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	کل روستاها
بالا	۲۴/۵	۴۳/۰	۳۶/۷	۵۳/۳	۵۲/۰	۶۱/۱	۴۲/۴
متوسط	۴۶/۲	۴۱/۱	۴۵/۰	۳۶/۷	۴۰/۰	۳۰/۶	۳۸/۷
پایین	۲۹/۲	۱۵/۹	۱۸/۳	۱۰/۰	۱۲/۰	۸/۳	۱۷/۹
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: شکوری (۱۳۷۹)

مقایسه کیفیت مسکن پاسخگویان معلوم می‌سازد که در کل، کیفیت مسکن خانوارهای نمونه از الگوی مورد انتظار یعنی حداکثر برنامه روستایی و بالاترین پتانسیل توسعه‌ای و بالاترین کیفیت مسکن پیروی می‌کند. این امر خصوصاً از درصدهای بالاترگزینه‌های «بالا» و «متوسط» خصوصاً گروه روستاهای مرفه و متوسط قابل مشاهده است (جدول شماره ۴).

نکته عمده دیگری که از مشاهده داده‌های جدول شماره ۴ می‌توان نتیجه گرفت این است که با فرض تغییر مسکن روستاهای مورد مطالعه در اثر اجرای برنامه‌های توسعه روستایی، این برنامه‌ها در روستای شماره یک (مرفه با حداکثر برنامه) به افزایش کیفیت «عالی» مساکن و در روستای شماره ۳ (متوسط با حداکثر برنامه) به افزایش مساکن با کیفیت «متوسط» منتهی شده است. علت این امر را می‌توان اجرای برنامه بهسازی در روستای شماره یک ذکر کرد. مشاهدات میدانی تحقیق نیز این امر را تأیید کرد که بیشتر روستاییان، خصوصاً آنهایی که مساکن‌شان در حول و حوش این طرح بوده، آن را نوسازی کرده‌اند.

وضعیت توسعه روستایی: توزیع منافع توسعه (درآمد، ثروت و رفاه)

بررسی وضعیت توسعه روستایی، در متغیرهای سه گانه فوق‌الذکر انجام شده است. هدف بررسی، ارزیابی دقیق‌تر این واقعیت بود که بینم چگونه برنامه‌های توسعه روستایی توانستند توزیع درآمد، ثروت و رفاه را بین روستاها و بین

جدول ۴- تحلیل چند متغیره درآمد، ثروت و رفاه با ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی خانوارها و روستاها
(برحسب ضرایب بتا)

شش	پنج	چهار	سه	دو	یک	روستا متغیرها
۰/۱۴۵۳	-۰/۰۸۲۶	-۰/۰۲۷۴	-۰/۰۶۹۵	-۰/۰۵۱۵	-۰/۱۶۳	متغیر درآمد
۰/۰۰۵۴	۰/۱۳۳۳	۰/۱۰۳۴	۰/۰۸۰۱	۰/۲۲۰۶	۰/۲۴۰۷	سن
۰/۳۴۴۰	۰/۳۵۴۴	۰/۲۱۸۰	۰/۲۰۰۲	۰/۲۹۵۲	۰/۳۵۵۶	باغ
۰/۱۷۸۹	۰/۱۵۳۵	۰/۲۹۸۹	۰/۳۷۶۴	۰/۲۰۹۴	۰/۲۰۶۳	زمین
۰/۰۹۵۹	۰/۱۳۶۴	۰/۱۵۰۷	۰/۱۴۴۴	۰/۱۲۰۵	۰/۱۲۹۱	بعد خانوار
۰/۰۱۸۲	۰/۱۴۵۳	۰/۲۵۳۳	۰/۲۵۳۰	۰/۱۲۷۷	۰/۲۴۷۹	شغل
۰/۲۶۵۹	۰/۱۸۸۵	۰/۱۱۲۳	۰/۱۴۳۸	۰/۲۰۲۳	۰/۲۰۰۸	دارائی
۰/۴۸۱۹۲	۰/۵۴۱۷۸	۰/۶۷۷۳۷	۰/۷۷۲۰۳	۰/۵۵۲۲۴	۰/۶۶۳۹۵	سواد
۰/۲۳۲۲	۰/۲۹۳۵	۰/۴۵۸۸	۰/۵۹۶۰	۰/۳۰۴۶	۰/۴۴۰۸	ضریب همبستگی چندگانه
۱/۱۶۶	۱/۲۴۶	۴/۹۶	۹/۹۹	۵/۰۱	۱۰/۸۱	ضریب تعیین
۰/۳۵۳۷	۰/۳۲۲۸	۰/۰۰۰۴	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۱/۰۰۰۰	آزمون آماره F
						سطح معناداری
۰/۴۲۰۵	۰/۵۲۹۷	۰/۵۰۱۵	۰/۵۸۴۷	۰/۶۲۶۴	۰/۴۷۸۷	متغیر ثروت
۰/۱۳۸۲	۰/۱۰۸۲	۰/۱۰۹۹	۰/۱۴۰۵	۰/۱۷۵۷	۰/۲۰۱۴	درآمد
۰/۰۱۰۴	۰/۰۴۸۵	۰/۱۲۴۴	۰/۱۱۰۹	۰/۰۴۳۰	۰/۱۳۸۳	سواد
۰/۱۴۳۷	۰/۱۵۳۶	۰/۱۸۳۱	۰/۱۷۳۰	۰/۰۹۸۷	۰/۱۹۲۷	سن
۰/۰۴۷۹	۰/۱۱۶۰	۰/۲۱۰۴	۰/۱۷۹۵	۰/۱۹۷۴	۰/۱۴۲۱	بعد خانوار
۰/۵۹۹۸۱	۰/۶۲۱۵۸	۰/۵۷۳۳۴	۰/۶۳۷۰۵	۰/۷۲۲۰۳	۰/۶۶۱۲۹	شغل
۰/۳۵۹۷	۰/۳۸۶۳	۰/۳۲۸۷	۰/۴۰۵۸	۰/۵۲۱۳	۰/۴۳۷۳	ضریب همبستگی چندگانه
۳/۲۵	۲/۸۹	۴/۹۹	۶/۹۶	۱۷/۸۶	۱۵/۲۳	ضریب تعیین
۰/۰۱۸۶	۰/۰۳۵۹	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	آزمون آماره F
						سطح معناداری
-۰/۰۵۲۳	-۰/۱۴۵۵	۰/۰۰۶۱	۰/۰۱۲۱	۰/۰۷۸۷	-۰/۰۱۲۸	متغیر رفاه (هزینه زندگی)
۰/۱۰۶۲	۰/۱۸۱۲	۰/۱۰۴۶	۰/۳۲۴۲	۰/۱۷۳۹	۰/۲۲۳۱	سن
۰/۳۵۵۶	۰/۳۴۳۵	۰/۵۵۷۲	۰/۶۲۲۷	۰/۶۰۸۷	۰/۵۶۷۸	دارائی
۰/۱۴۱۱	۰/۲۸۹۶	۰/۱۲۴۷	۰/۱۸۷۹	۰/۲۲۹۹	۰/۲۵۰۱	درآمد
۰/۰۰۷۸	۰/۰۹۹۰	۰/۰۶۳۳	۰/۰۶۱۴	-۰/۱۱۲۰	۰/۱۷۹۹	بعد خانوار
۰/۴۵۴۹۳	۰/۵۴۹۲۸	۰/۶۱۲۷۵	۰/۷۱۷۵۱	۰/۷۶۲۵۵	۰/۶۸۷۳۵	سواد
۰/۲۰۶۹	۰/۳۰۱۷	۰/۳۷۵۴	۰/۵۱۴۸	۰/۵۸۱۴	۰/۷۵۲۳	ضریب همبستگی چندگانه
۱/۵۱	۱/۹۸	۶/۱۳	۱۰/۸۲	۲۲/۷۸	۵۹/۵۲	ضریب تعیین
۰/۲۱۶۳	۰/۱۱۸۶	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	آزمون آماره F
						سطح معناداری
۳۰	۳۵	۶۰	۶۰	۸۸	۱۰۸	N

مأخذ: شکوری (۱۳۷۹)

روستایان تغییر دهند.

بررسی ضرایب جینی (شاخص بخش نابرابری) متغیرهای سه گانه فوق نشان می دهد که توزیع این متغیرها بین کل

خانوارهای نمونه در روستاهای مورد بررسی، هم بطور تجمعی (مجموع کل روستاها) و هم بطور مجزاً (تک تک روستاها) نابرابر توزیع شده است. این نابرابری خصوصاً در روستاهایی که در آنها حداکثر برنامه توسعه روستایی اجرا گردیده، بیش از سایر روستاها بوده است (جدول شماره ۵). برای مثال، ضریب جینی برای درآمد خانوارها در روستای یک (مرفه با حداکثر برنامه) ۰/۴۶ و روستای دو (مرفه با حداقل برنامه) ۰/۴۱ می باشد. این ضرایب برای روستای ۳ (متوسط با حداکثر برنامه) ۰/۴۰ و برای روستای چهار (متوسط با حداقل برنامه) ۰/۳۷ می باشد. ضریب جینی برای گروه روستاهای فقیر یعنی روستای ۵ و ۶ به ترتیب ۰/۳۸ و ۰/۳۳ می باشد (جدول شماره ۵).

جدول ۵. ضرایب جینی برحسب درآمد، ثروت و رفاه در روستاهای ۱ تا ۶

متغیرها روستاها	درآمد	ثروت	هزینه زندگی
۱	۰/۴۶۰۵۶	۰/۳۲۴۶۵	۰/۲۴۸۵۰
۲	۰/۴۱۰۱۰	۰/۳۹۶۰۸	۰/۲۰۴۱۳
۳	۰/۴۰۲۹۳	۰/۳۶۶۹۴	۰/۲۳۴۰۰
۴	۰/۳۷۴۳۳	۰/۳۳۳۶۱	۰/۱۹۵۷۹
۵	۰/۳۸۶۶۳	۰/۳۱۴۱۹	۰/۲۰۲۷۶
۶	۰/۳۳۰۹۴	۰/۲۸۶۲۹	۰/۱۸۶۲۲

مأخذ: شکوری (۱۳۷۹)

یافته‌های تحقیق برای متغیر ثروت آشکار ساخت که بجز گروه روستاهای نخست که در آن روستای شماره (۲) دارای شاخص جینی بیشتری نسبت به شماره (۱) است، در بقیه موارد نتایج پژوهش، الگوی مورد انتظار را تأکید می کند. همانطور که در جدول شماره ۵ مشخص است، ضرایب جینی در روستای یک، ۰/۳۲ درصد و در روستای دو، ۰/۳۹ درصد می باشد. این ارقام برای روستاهای سه تا شش به ترتیب ۰/۳۶، ۰/۳۳، ۰/۳۱ و ۰/۲۸ درصد می باشد. یافته‌های پژوهش در مورد توزیع رفاه (هزینه زندگی) معلوم می دارد که هر چند در کل روستاهای مورد مطالعه، نابرابریها در هزینه زندگی خانوارهای نمونه، در روستاهای دریافت کننده حداکثر برنامه‌ها بیشتر بوده است، ولی تفاوتها بین روستاها در مقایسه با متغیرهای درآمد و ثروت اندک بوده که این گویای نوعی برابری نسبی خانوارهای نمونه از نظر هزینه زندگی بین روستاهای مطالعه شده است. چنانچه که ارقام جدول شماره ۵ معلوم می دارد، ضرایب جینی بین روستاها بین ۰/۱۸ و ۰/۲۴ درصد متغیر است. سطح اندک نابرابری هزینه زندگی در مقایسه با درآمد و ثروت را می توان این گونه تفسیر نمود که اولاً، افزایش در درآمد و ثروت خانوارها ضرورتاً با افزایش در هزینه زندگی آنها همراه نبوده است. احتمالاً به لحاظ آسیب پذیری اقتصاد روستایی و احساس ناامنی در مورد آینده، بخش عمده درآمد روستاییان به پس انداز اختصاص یافته است. ثانیاً، از دیدگاه تحلیل کلان و تاریخی می توان ابراز داشت که سیاستهای توزیعی دولت بعد از انقلاب، مثل سهمیه بندی کالاها از اساسی تا غیر اساسی (خصوصاً برای طبقات کم درآمد) یک سبک مصرفی مشابه را سبب شده و مهمتر از همه اینکه بعلت سادگی زندگی در نواحی روستایی در مقایسه با پیچیدگی زندگی شهری، گرایش به طرق مشابه

زندگی، یک ویژگی متداول زندگی روستایی می باشد.

جدول ۶- توزیع پاسخگویان بر حسب دهکهای درآمدی، ثروت و رفاه در روستاهای ۱ تا ۶

کل روستاها	۶	۵	۴	۳	۲	۱	روستا دهکها
							متغیر درآمد
۱/۹۷	۱/۳۴	۳/۸۲	۰/۴۵	۲/۷	۰/۴۵	۲/۸۴	۱۰
۲/۳۷	۲/۵۷	۳/۳۳	۲/۶۵	۴/۴۰	۳/۰۶	۳/۱۷	۲۰
۳/۱۷	۵/۰۷	۴/۱۳	۳/۰۰	۵/۱۰	۵/۶۶	۳/۲۶	۳۰
۳/۷۱	۶/۰۹	۵/۶۱	۵/۴۱	۵/۱۸	۶/۹۶	۴/۵۶	۴۰
۳/۱۳	۱۰/۰۵	۶/۷۶	۹/۵۲	۵/۸۰	۷/۱۳	۴/۷۱	۵۰
۴/۰۰	۱۲/۵۳	۸/۵۸	۱۱/۸۱	۶/۲۱	۸/۳۰	۵/۴۷	۶۰
۶/۶۴	۱۲/۶۰	۱۰/۱۵	۱۲/۶۴	۶/۳۳	۱۰/۰۲	۷/۴۴	۷۰
۹/۸۲	۱۳/۴۰	۱۲/۲۹	۱۴/۰۶	۱۰/۳۱	۱۰/۳۱	۱۱/۴۴	۸۰
۱۵/۰۱	۱۳/۶۵	۱۸/۰۸	۱۵/۷۲	۲۰/۲۳	۱۲/۱۰	۱۷/۰۴	۹۰
۵۰/۱۸	۲۲/۷۰	۲۷/۲۵	۲۴/۷۴	۳۲/۷۰	۳۶/۰۰	۴۰/۰۷	۱۰۰
							ثروت
۲/۰۱	۱/۵۶	۱/۸۵	۰/۷۶	۲/۵۹	۱/۱۳	۲/۲۴	۱۰
۲/۶۱	۴/۰۱	۵/۰۸	۳/۰۶	۴/۷۸	۱/۱۴	۴/۱۳	۲۰
۴/۷۸	۵/۲۰	۷/۱۰	۶/۶۵	۵/۲۱	۵/۴۷	۵/۸۴	۳۰
۶/۷۳	۷/۰۷	۷/۱۱	۶/۲۰	۶/۳۶	۸/۰۱	۶/۰۵	۴۰
۷/۸۳	۱۱/۶۲	۸/۶۰	۹/۴۴	۷/۱۹	۹/۶۶	۸/۵۹	۵۰
۸/۸۷	۱۱/۶۶	۹/۳۵	۱۰/۰۵	۸/۱۷	۹/۵۷	۹/۳۷	۶۰
۱۰/۷۸	۱۲/۷۵	۹/۴۳	۱۲/۸۴	۸/۲۲	۱۰/۴۴	۹/۴۶	۷۰
۱۲/۹۹	۱۲/۶۳	۱۱/۹۶	۱۲/۸۹	۱۲/۳۱	۱۰/۴۸	۱۱/۸۷	۸۰
۱۴/۲۹	۱۲/۹۷	۱۲/۵۶	۱۳/۵۳	۱۵/۵۷	۱۳/۲۰	۱۶/۲۸	۹۰
۲۹/۱۱	۲۰/۵۳	۲۶/۹۶	۲۴/۵۸	۲۹/۶۰	۳۰/۹۰	۲۶/۱۷	۱۰۰
							هزینه زندگی
۴/۱۸	۵/۰۶	۴/۶۴	۳/۷۵	۳/۴۷	۴/۵۶	۴/۲۸	۱۰
۵/۰۹	۵/۶۴	۶/۰۵	۵/۸۴	۶/۳۸	۵/۹۱	۵/۹۹	۲۰
۶/۸۷	۶/۲۴	۷/۲۵	۷/۴۳	۷/۵۷	۷/۴۰	۶/۸۹	۳۰
۷/۳۹	۷/۳۱	۸/۶۱	۸/۰۰	۸/۱۶	۸/۸۱	۷/۳۳	۴۰
۷/۷۳	۱۱/۵۳	۸/۶۷	۱۰/۶۷	۸/۵۳	۸/۵۷	۷/۶۰	۵۰
۷/۷۳	۱۱/۸۱	۹/۷۱	۱۱/۵۳	۹/۰۴	۱۰/۳۳	۹/۵۲	۶۰
۸/۳۹	۱۱/۸۲	۱۱/۷۸	۱۱/۶۸	۹/۹۳	۱۱/۳۱	۱۰/۴۶	۷۰
۱۰/۴۱	۱۲/۲۲	۱۲/۸۶	۱۲/۵۵	۱۱/۷۴	۱۱/۹۷	۱۳/۶۳	۸۰
۱۷/۵۱	۱۳/۹۰	۱۳/۸۹	۱۳/۸۳	۱۳/۴۶	۱۳/۶۲	۱۴/۱۸	۹۰
۲۴/۷	۱۴/۴۷	۱۶/۵۴	۱۴/۷۲	۲۱/۷۲	۱۷/۵۲	۲۰/۱۲	۱۰۰

مأخذ: شکوری (۱۳۷۹)

بررسی دقیق تر درآمد، ثروت و هزینه زندگی بر اساس توزیع دهکها، نکات یاد شده را بهتر روشن می سازد.

توزیع دهکها نشان می دهد که فاصله بین گروههای درآمدی، ثروت و هزینه زندگی تا حد زیادی در دهکهای بالا و

دهکهای پایین و خصوصاً ۱۰ تا ۴۰ درصد بالا و ۱۰ تا ۴۰ درصد پایین، قابل ملاحظه می‌باشد. بر اساس یافته‌های مطالعه میدانی که در جدول منعکس شده، سهم ۱۰ درصد پایین‌ترین گروه درآمدی، کمتر از ۲ درصد از کل درآمد جامعه مورد مطالعه می‌باشد. همچنین در مقایسه با بالاترین ۴۰ درصد گروه درآمدی که دارای ۸۰ درصد کل درآمد خانوارها هستند، ۴۰ درصد پایین افراد نمونه، تنها ۱۰ درصد کل درآمد را به خود اختصاص داده‌اند و تفاوت‌های درآمدی در گروه‌های میانی نسبتاً متعادل است. بررسی در مورد توزیع ثروت، نشان می‌دهد که ۱۰ درصد بالاترین گروه ثروتمند خانوارهای نمونه بیش از ۲۹ درصد و ۱۰ درصد پایین‌ترین گروه از نظر ثروت تنها ۲ درصد از کل ثروت جامعه را در اختیار دارند. این شکاف زیاد به راحتی در دهکهای وسیعتر قابل مشاهده است. در مورد توزیع دهکهای هزینه زندگی^(۱)، داده‌ها نشان می‌دهد که ۱۰ درصد فوقانی کل خانوارهای نمونه، ۲۴ درصد از کل هزینه‌های زندگی را هزینه کرده‌اند و این رقم برای پایین‌ترین قشر ۱۰ درصد آنها، کمتر از ۵ درصد کل هزینه‌های زندگی می‌باشد (جدول شماره ۵). بررسی انجام شده همچنین معلوم ساخت که عموماً فاصله بین گروه‌های درصد درآمدی، ثروت و هزینه زندگی بالا و پایین (خصوصاً ده درصد بالا و پایین) در روستاهایی که بیشترین فعالیت توسعه‌ای در آنها انجام شده، بیشتر بوده است. این خود نشان می‌دهد که اولاً سهم درآمدی، ثروت و هزینه زندگی گروه‌های پایین درآمدی اندک است و ثانیاً اینکه سهم درآمدی گروه‌های فوقانی در متغیرهای مورد بررسی به مراتب بیشتر است.

نتیجه‌گیری

همانطوریکه بحث شد، این مقاله اثرات طولانی مدت توسعه روستایی بعد از انقلاب را بر حیات روستاییان در سه گروه از روستاها با تأکید بر سه متغیر اساسی درآمد، ثروت و رفاه مورد بررسی قرار داد. بطور کلی، تحلیل آماری نشان داد که روستاها از نظر این سه متغیر از تفاوت معنی‌داری نسبت به هم برخوردارند. مقایسه‌های زوجی نیز معلوم نمود که متغیرهای مورد بررسی در روستاها با بیشترین برنامه توسعه روستایی، بالاتر بوده و در غالب زوجها به استثنای گروه روستاهای فقیر از نظر آماری معنی‌دار و در غالب متغیرها مثبت بوده است. تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره روشن ساخت که بطور کلی تأثیر زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی در روستاهای بالاترین فعالیت توسعه روستایی، بیشتر بوده است. نتایج فوق می‌تواند بیانگر آن باشد که با وجودی که برنامه‌های توسعه روستایی توانست تا درآمد، ثروت و رفاه خانوارهای نمونه را افزایش دهد؛ ولی روستاهای با شرایط توسعه‌ای مستعد و روستاییان با زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی بالاتر، در فرآیند تغییر روستایی بیشترین بهره را بردند.

این مطالعه نشان داد که علیرغم سیاستهای توزیعی، نابرابریها در تمام روستاها و خصوصاً روستاهای با حداکثر برنامه توسعه روستایی، بیشتر بوده است. توزیع دهکها تفاوت واضحی را بین گروه‌های ثروتی، درآمدی و هزینه زندگی خصوصاً بین گروه فوقانی و فقیرترین گروه تحتانی ارائه می‌کنند. این مورد حتی در توزیع رفاه (هزینه زندگی) نیز که کمترین نابرابری را بین روستاها و میان روستاییان داشته، مشهود بوده است. با وجودیکه برخی برنامه‌های روستایی با گروه مورد هدف (فقرا و آسیب‌پذیر) می‌توانستند پایین‌ترین گروه اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند؛ در کل فرآیند،

گروههای فوقانی موفق به جذب بیشتر منافع توسعه شدند. با توجه به مباحث فوق مبنی بر تأثیر مثبت برنامه‌ها بر معرفه‌های توسعه روستایی (حداقل بطور تجمعی)، همبستگی مثبت بیشتر معرفه‌های زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی خانوارهای نمونه و بعلاوه توزیع نابرابر متغیرهای مورد بررسی، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که ساختارهای پیشین از قبیل توزیع نابرابر اشکال ثروت، عدم تغییر بنیادی در قشر بندی اجتماعی، تفاوت‌های منطقه‌ای (روستایی) از نقطه نظر عوامل بالقوه توسعه‌ای و غیره، بیشتر گرایش به ثمردهی به روستاهایی با پتانسیل‌های توسعه‌ای بالاتر و روستائیانی با زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بهتر دارد.

منابع و مآخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۵) جامعه روستایی و توسعه نیافتگی روستایی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۶) اقتصاد ایران، نشر نی، تهران.
- ۳- رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۵) جامعه روستایی و نیازهای آن، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۴- شکوری، علی (۱۳۷۹ الف) اثرات برنامه‌های توسعه روستایی در آذربایجان شرقی، معاونت عمران وزارت جهاد سازندگی، مدیریت طرح و برنامه (منتشر نشده).
- ۵- شکوری، علی (۱۳۷۹ ب) پژوهشی در توسعه و مشارکت در روستاهای آذربایجان شرقی، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۷.
- ۶- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵) سرشمای نفوس و مسکن: آذربایجان شرقی، تهران.
- 7- Afshar, (1981), AN Assesment of Agricultural Development Policies in Iran, World Development, 9,11-12.
- 8- Ferguson, J. (1990) The Anti-Politics Machine: Development, Depoliticisation and Bureaucratic Power in Lesotho, Cambridge University Press.
- 9- Gibbons, D. S., De Koninck, R. and Hasan, I, (1980) Agricultural Modernisation, Poverty and : the distribution Impact of the Green Revolution in Regions of Malasia and Indonesia.; Inequality Grower Publishing Company Limited.
- 10- Griffin, K. (1979, The Political Economy of Agricultural hange, London: Thetford, Norfolk.
- 11- Griffin, K., Khan, A. R. (1982) Poverty in the Third World: Ugly Facts and Fancy Models, in H. Alavi and T. Shanin (eds) Poverty in Landlessness in Rural Asia, Geneva: International Labour Office, mimeo.
- 12- Grindle, m. s. (1986) State and Countryside, Development Policy and Agrarian Politics in Latin America, London: the Jons Hopkins University Press.
- 13- Haque, W. et al. (1975) Towards a Theory of Rueil Development, Un Bangkok: Asia Development Institute.
- 14- Haghyeghi, M. (1990) Agrarian Reform Problems in Post-revolutionary Iran, Middle East Studies, 26, 10.
- 15- Howe, J. and Richard, P., (1984) Rural Roads and Poverty Alleviation, Internationa labour organisation. Internationa labour organisation (1977) Poverty and Landless in Rural Asia, Geneva.
- 16- Ladejinsky, W. (1977) Economic Situation and Prospects of India, in L. J., Walinsky, The Selcted Papers of olfLadejinsky, Agrarian Reform as Unfinished Business, Oxford: Oxford University Press.
- 17- Lea and Chaudhri, D. P. (1983) Rural Development and the Stat, London: Methnen.

- 18- Long, N. (1979) Introduction to Sociology of Rural Development, Londo, Tavisock Publications.
- 19- Morisson, L. et al. (1979) The Disibtegrating Village: Social Change in Rural Sri Lanka, Colobo: Lake House Investments.
- 20- Nabi, I. N. Hamid and S. Zahid (1986) The Agrarian Economy ofa Pkistan, Oxford University Press.
- 21- Nazir, P. (1991) Local Development in the Global Economy, Newcastle: Grower Publishing Limited.
- 22- Pesaran, H. (1982) the system of Dependent Capitalism in Pre-revolutionary Iran, International Journal of Middle East Studies, 14.
- 23- Ruttan, V. W. (1986) Access: A theory of Corruption and Bureaucracy, Public Adminstration and Development, 4.
- 24- Schirazi, A. (1993), Islamic Policy, the Agrarian Question in Iran, trans. By P. J. Ziess-Lawrence, London: Lynne Rienner Publisher.
- 25- Streeten, P. (1977) The Distinctive Features ofa Basic Needs Approach to Development, International Review,4.
- 26- Streeten, P. et al. (1981) First Things First: Meeting Basic Needs in the Developing Countries, Oxford Oxford University Press.
- 27- World Bank (1991) World Development Report, 1990: Poverty: New York: Oxford University Press.
- 28- World Development (1991) Iran: Reconstruction and Economic Growth, vol. 1-2, Report no.9072 IRN.